

آیا شیعیان، مخالفان خود را « حرام زاده » می دانند؟

مقدمه :

عثمان خمیس ، تئوریسین معاصر وهابی و از لیدرهای اصلی آنان ، در سال گذشته در نماز جمعه کویت سخنرانی کرد و اتهامات بسیاری علیه شیعه مطرح نمود. در همان زمان پاسخ شبهات او را دادیم و استاد قزوینی نیز در مدرسه فیضیه چندین جلسه از سخنرانی های خود را به این شبهات اختصاص داد .

ولی از آن جایی که شبهات مطرح شده در سخنرانی عثمان خمیس ، اهمیت بسیاری دارد و از مهمترین شبهات وهابیت علیه شیعه به حساب می آید ، تصمیم گرفتیم که تك تك این شبهات را به صورت پرسش و پاسخ در سایت نیز قرار دهیم تا خوانندگان همیشگی بهره ی بهتر و بیشتری ببرند .

طرح شبهه :

یکی از اتهامات عثمان خمیس در این سخنرانی ، این بود که شیعیان فقط خود را حلال زاده و دیگر مسلمانان را حرام زاده می دانند، وی می گوید :

المسألة الثالثة : القول بكفر من عدا الشيعة :

كل من عدا الشيعة فهو كافر بل لم يتوقف الأمر علي ذلك بل كل من عدا الشيعة كافر وولد زنا ...

2

ویروی کلینی فی کافی عن محمد بن علی الباقر ، أن الناس کلهم أولاد بغایا ما خلا شیعتنا ، وهذا فیالروضة من الکافی . صفحه 239

شیعه می گوید: غیر از شیعه همه کافر بلکه بالاتر ولد الزنا هستند، کلینی در کتاب کافی از امام محمد باقر علیه السلام نقل می کند: غیر از شیعیان ما همه مردم فرزندان نامشروع هستند.

نقد و بررسی :

مرحوم کلینی در کتاب شریف اصول کافی ، این روایت را با سند ذیل ، این گونه نقل می کند :

431 عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْعَبَّاسِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ قُلْتُ لَهُ إِنَّ بَعْضَ أَصْحَابِنَا يَفْتَرُونَ وَيَقْتَدِفُونَ مَنْ خَالَفَهُمْ فَقَالَ لِي الْكُفُّ عَنْهُمْ أَحْمَلُ ثُمَّ قَالَ وَاللَّهِ يَا أَبَا حَمْزَةَ إِنَّ النَّاسَ كُلَّهُمْ أَوْلَادُ بَغَايَا مَا خَلَا شِيعَتَنَا

ابو حمزه می گوید : به امام باقر علیه السلام عرض کردم : برخی از هم کیشان ما به دگراندیشان دروغ می بندند و آنها را به حرامزادگی نسبت می دهند . امام باقر علیه السلام فرمود : سخن نکفتن در باره آنان نیکوتر است ، و سپس فرمود : ای ابا حمزه ! به خدا سوگند! جز شیعیان ما، همه مردم زاده ی فحشایند .

الکلینی الرازی ، أبی جعفر محمد بن یعقوب بن إسحاق (متوفای 328 هـ) ، الأصول من الکافی ، ج 8 ، ص 275 - 287 ، ناشر: اسلامیه ، تهران ، الطبعة الثانية، ۱۳۶۲ هـ . ش .

ضعف سند روایت :

اولاً : در سند این روایت دو مشکل وجود دارد : یکی در حسن بن عبد الرحمن و دیگری در علی بن العباس .
حسن بن عبد الرحمن مجهول است و در هیچ یک از کتاب های رجال شیعه توثیق ندارد .
بنابراین روایات او معتبر نیست .

مشکل اصلی و اساسی در سند، علی بن عباس است که از غلات به شمار می رود .
مرحوم نجاشی در باره وی می نویسد :

علی بن العباس الجراذینی الرازی ، رمی بالغلو و غمز علیه ، ضعیف جداً .
علی بن عباس جراذینی رازی جداً ضعیف و محکوم به غلو شده است .

النجاشی الأسدی الکوفی ، أبو العباس أحمد بن علی بن أحمد بن العباس (متوفای 450هـ) ، فهرست أسماء مصنفي الشيعة
المشهور ب رجال النجاشی ، ص 255 ، تحقیق : السيد موسی الشبیری الزنجانی ، ناشر : مؤسسة النشر الاسلامی - قم ، الطبعة :
الخامسة ، 1416هـ .

ابن داود حلی می نویسد :

علی بن العباس الجراذینی ، بالجیم والراء والذال المعجمة ، الرازی لم (جش) رمی بالغلو و غمز علیه ، ضعیف جداً .
علی بن عباس جراذینی رازی، ضعیف و غالی است .

الحلی ، تقی الدین الحسن بن علی بن داود (متوفای بعد 707هـ) ، کتاب الرجال مشهور ب رجال ابن داود ، ص 261 ، تحقیق :
السید محمد صادق آل بحر العلوم ، ناشر : منشورات المطبعة الحیدریة - النجف ، 1392هـ - 1972م
علامه حلی می نویسد :

علی بن العباس الجراذینی ، بالراء بعد الجیم ، والذال المعجمة بعد الألف ، وقبل الیاء المنقطة تحتها نقطتین ، وبعدها النون ،
الرازی ، رمی بالغلو ، و غمز علیه ، ضعیف جدا ، له تصنيف في الممدوحين والمذمومين يدل علی خبثه وتهالك مذهبه ، لا
يلتفت إليه ، ولا يعبأ بما رواه .

علی بن عباس جراذینی رازی ضعیف و غالی است . نوشته هایی در مدح و ذم دارد که نشانگر نابودی مذهبش و پستی خود
وی است ، نه خود او ارزشی دارد و نه به روایاتش توجهی می شود .

الحلی الأسدی ، أبي منصور الحسن بن يوسف بن المطهر (متوفای 726هـ) خلاصة الأقوال في معرفة الرجال ، ص 367 ،
التحقیق : فضیلة الشیخ جواد القیومی ، ناشر : مؤسسة نشر الفقاهة ، الطبعة : الأولى ، 1417هـ .

بنابراین ، روایت چنین افرادی در مذهب شیعه ، هیچ جایگاهی ندارد ؛ از این رو است که احادی از علمای شیعه در طول
تاریخ بر طبق چنین روایاتی فتوا نداده اند و بلکه عکس آن را معتقد هستند ؛ زیرا بر مبنای فقه شیعه تمام کسانی که
پیوند زناشویی و ازدواج آنان بر اساس مذهب خودشان صورت گرفته و به اصطلاح صیغه عقد جاری شده است ، حلال زاده
هستند ؛ حتی اگر غیر مسلمان باشند ؛ تا چه رسد به مسلمانان .

پس این روایت علاوه بر ضعف سند با دیدگاه فقهی شیعه نیز در تضاد است .

ثانیاً : روایات بسیاری در کتاب های اهل سنت وجود دارد که ثابت می کند ، کسانی که محبت امیر مؤمنان علیه السلام را
ندارند ، حرام زاده هستند .

از آن جایی که روایات بسیاری در این زمینه در کتاب های اهل سنت نقل شده است ، به چند روایت اشاره و دوستان علاقه
مند را به کتاب های مفصل ؛ از جمله کتاب شریف الغدیر ، ج 4 ، ص 320 به بعد و همچنین به اثر گران سنگ الإمام علی بن
أبي طالب علیهما السلام ، نوشته احمد رحمانی همدانی ، فصل 19 ، ارجاع می دهیم .

نشانه های حلال زاده و حرام زاده در روایات اهل سنت :

الف : دشمنی با امیر مؤمنان علیه السلام :

علامه شمس الدین جزری شافعی می نویسد :

عن عبادة بن الصامت رضي الله عنه قال : كُنَّا نُبُورُ أولادنا بحُبِّ عليّ بن أبي طالب رضي الله عنه ، فإذا رأينا أحدهم لا يجب علي بن أبي طالب ، علمنا أنه ليس منا ، وأنه لغير رشده .

عبادة بن صامت می گوید : ما فرزندان خود را با دوستی علی بن ابی طالب علیه السلام می آزمودیم ، و اگر یکی از آنان علی بن ابی طالب را دوست نمی داشت، پی می بردیم که غیر مشروع است .

و در ادامه این روایت را نقل می کند :

ورويانا ذلك ايضا ، من أبي سعيد الخدري رضي الله عنه ، ولفظه : كنا معشر الأنصار نبور أولادنا بحبهم علياً رضي الله عنه ، فإذا ولد فينا مولود فلم يحبه عرفنا أنه ليس منا .

قوله : نبور ، بالنون والباء الموحدة وبالراء اي نخبر ونمتحن .

ما گروه انصار فرزندان مان را با محبت و دوستی علی (علیه السلام) آزمایش می کردیم، اگر فرزندی بدنیایم آمد و علی را دوست نداشت می فهمیدیم که از ما نیست.

الجزري الشافعي ، أبي الخير شمس الدين محمد بن محمد (متوفاي 833هـ) ، أسني المطالب في مناقب سيدنا علي بن أبي طالب كرم الله وجهه ، ص 57- 58 ، تقديم ، تحقيق و تعليق : الدكتور محمد هادي الأميني ، ناشر : مكتبة الإمام امير المؤمنين (ع) العامة ، اصفهان - ايران .

شمس الدین جزری از بزرگان اهل سنت است که در مقدمه کتابش روایتهای نقل شده در این کتاب را مسند و متواتر میدانند :
وي در مقدمه کتابش می گوید :

وبعد فهذه احاديث مسندة مما تواتر وصح ، وحسن من أسني مناقب الأسد الغالب مفرق الكتائب، و مظهر العجائب ليث بني غالب امير المؤمنين علي بن أبي طالب كرم الله تعالي وجهه ، ورضي الله عنه وأرضاه، اردفتها بمسلسلات من حديث، و متصلات من روايته، وتحديثه، وبأعلي أسناد صحيح اليه من القرآن والصحبة والخرفة التي اعتمد فيها اهل الولاية عليه نسأل الله أن يثبتنا علي ذلك ويقربنا به اليه .

احاديث موجود در این کتاب همه مسند و متواتر و صحیح هستند ، که بیانگر مناقب و فضائل شیر همیشه پیروز و درهم کوبنده لشکرها ، مظهر عجایب ، شیر بنی غالب ، امیر مؤمنان علی بن ابوطالب است که آن را با احادیث مسلسل و پی در پی و روایات به هم پیوسته و با سند اعلا و صحیح و از قرآن و همراهی های او و معجزاتی که پیروان ولایت به آن اعتماد دارند جمع آوری کرده ام ، به امید آن که خداوند متعال ما را بر ولایت او ثابت قدم بدارد و به او نزدیک فرماید .

الجزري الشافعي ، أبي الخير شمس الدين محمد بن محمد (متوفاي 833هـ) ، أسني المطالب في مناقب سيدنا علي بن أبي طالب كرم الله وجهه ، ص 45 ، تقديم ، تحقيق و تعليق : الدكتور محمد هادي الأميني ، ناشر : مكتبة الإمام امير المؤمنين (ع) العامة ، اصفهان - ايران .

ترجمه علامه جزری :

شاید بعضی از افراد نسبت به کتاب أسني المطالب و نویسنده آن علامه جزری تردیدهایی در اذهان دیگران ایجاد کنند ؛ از این رو ترجمه ایشان را از زبان ابن حجر عسقلانی که حافظ علی الإطلاق اهل سنت است ، نقل می کنیم .

محمد بن محمد بن محمد بن محمد الحافظ - الإمام المقرئ شمس الدين ابن الجزري ، ولد ليلة السبت الخامس والعشرين من شهر رمضان سنة ٧٥١ بدمشق ، وتفقه بها ، ولهج بطلب الحديث والقرآت ، وبرز في القرآت ، وعمر مدرسة للقراء سماها دار القرآن وأقرأ الناس ، وعين لقضاء الشام مرة ، وكتب توقيعه عماد الدين بن كثير ثم عرض فلتم يتم ذلك وقدم القاهرة مرارا ، وكان مثريا وشكلا حسنا وفصيحا بليغا ...

وكان كثير الإحسان لأهل الحجاز ، وأخذ عنه أهل تلك البلاد في القرآت وسمعوا عليه الحديث ... وقد انتهت إليه رئاسة علم القرآت في الممالك ، وكان قديما صنف الحصن الحصين في الأدعية ولهج به أهل اليمن واستكثروا منه ، وسمعه علي قبل أن يدخل هو إليهم ثم دخل إليهم فأسمعهم ، وحدث بالقاهرة بمسند أحمد ومسند الشافعي وبغير ذلك وكان يلقب في بلاده الإمام الأعظم .

جزري شب بیست و پنجم رمضان سال ٧٥١هـ در شهر دمشق به دنیا آمد و در همان شهر به دانش اندوزی پرداخت و برای آشنائی با حدیث و قرائت قرآن تلاش کرد و در همین رشته هم موفق شد و مدرسه ای به نام دار القرآن تاسیس کرد . به قضاوت از طرف عماد الدین کثیر منصوب شد ولی آن را به پایان نرساند ، چندین بار به قاهره سفر کرد ، وی چهره ای زیبا و جذاب داشت...

نسبت به مردم حجاز بسیار نیکو کار بود، از وی دانش قرائت و حدیث را آموختند... در همه کشورها دانش قرائت به او ختم می شد و کتابی در دعا به اسم الحصن الحصین نوشت ، مردم یمن از وی استفاده فراوان نمودند ، در قاهره مسند احمد و شافعی را بر مردم می خواند ، به او امام اعظم لقب داده بودند .

ابن حجر عسقلانی ، أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل الشافعي (متوفای 852هـ) ، إنباء العُمر بأبناء العمر في التاريخ ، ج ٨ ص ٢٤٥ ، تحقیق : د.محمد عبد المعید خان ، ناشر : دار الکتب العلمیة - بیروت / لبنان الطبعة : الثانية ، ١٤٠٦هـ - ١٩٨٦م . این روایت را علاوه بر نقل جزری شافعی در کتاب أسنی المطالب در کتابهای لغت نیز آمده است.

الأزهري ، أبو منصور محمد بن أحمد الوفاة: 370هـ) ، تهذيب اللغة ، ج 15 ص 191 ، اسم المؤلف: تحقیق : محمد عوض مرعب ، دار النشر : دار إحياء التراث العربي - بیروت ، الطبعة : الأولى ، 2001م ؛

الجزري ، أبو السعادات المبارك بن محمد (متوفای 606هـ) ، النهاية في غريب الحديث والأثر ، ج 1 ص 161 ، تحقیق طاهر أحمد الزاوي - محمود محمد الطناحي ، ناشر : المكتبة العلمیة - بیروت - 1399هـ - 1979م ؛

الأفريقي المصري ، محمد بن مكرم بن منظور (متوفای 711هـ) ، لسان العرب ، ج 4 ص 87 ، ناشر : دار صادر - بیروت ، الطبعة : الأولى ؛

الحسيني الزبيدي ، محمد مرتضي (متوفای 1205هـ) ، تاج العروس من جواهر القاموس ، ج 10 ص 257 ، تحقیق : مجموعة من المحققين ، ناشر : دار الهدایة .

ب : محبت امیر مؤمنان علیه السلام ، معیار حلال زاده بودن

عاصمی مکی و موفق خوارزمی می نویسند :

عن أبي بكر الصديق قال رأيت رسول الله ختم ختمه وهو متكئ علي فرش عربية وفي الخيمة علي وفاطمة والحسن والحسين فقال معشر المسلمين أنا سلم لمن سالم أهل الخيمة حرب لمن حاربهم ولي من والاهم لا يحبهم إلا سعيد الجد طيب المولد ولا يبغضهم إلا شقي الجد ردي الولادة

ابوبکر می گوید: رسول خدا در خیمه بر فرشی عربی نشسته و تکیه داده بود، علی و فاطمه و حسن و حسین نیز در خیمه بودند، فرمود: ای مسلمانان! هر کس با اهل خیمه دوست باشد من با او دوست هستم و هر کس با آنان دشمن باشد من با آنان

دشمنم، آنان را دوست ندارد مگر آنکه ولادتی پاک دارد و دشمن نیست با آنان مگر آنکه ولادتی ناپاک دارد.

العاصمي المكي ، عبد الملك بن حسين بن عبد الملك الشافعي (متوفاي ۱۱۱۱هـ) ، سمط النجوم العوالي في أنباء الأوائل والتوالي ، ج 3 ص 44 ، تحقيق : عادل أحمد عبد الموجود - علي محمد معوض ، ناشر : دار الكتب العلمية .

قندوزي حنفي مي نويسد :

عن سعيد بن جبیر ، عن ابن عباس (رضي الله عنهما) قال : قال رسول الله صلي الله عليه وآله وسلم : يا علي أنت صاحب حوضي وصاحب لوائي ... وأنت مولی من أنا مولاه وأنا مولی كل مؤمن ومؤمنة ، لا یحبك إلا طاهر الولادة ولا یبغضك إلا خبیث الولادة .

رسول خدا به علي فرمود: تو صاحب پرچم و حوض منی... تو مولای کسی هستی که من مولای اویم، و من مولای هر مؤمن و مؤمنه ای هستم، مُحَبَّبٌ و دوستدار تو نیست مگر آنکه ولادتش پاک باشد و دشمن تو نیست مگر آنکه ولادتش ناپاک باشد.

القندوزي الحنفي ، سليمان بن إبراهيم (متوفاي 1294هـ) ، ينابيع المودة لذوي القربى ، ج 1 ص 397 ، تحقيق : سيد علي جمال أشرف الحسيني ، ناشر : دار الأسوة للطباعة والنشر ، الطبعة : الأولى ، 1416هـ .

و در ادامه مي نويسد :

وعن الإمام جعفر الصادق ، عن آبائه عليهم السلام عن رسول الله صلي الله عليه وآله وسلم (انه) قال : من أحبنا أهل البيت فليحمد الله علي أولي النعم . قيل : وما أولي النعم ؟ قال : طيب الولادة ، ولا یحبنا إلا من طابت ولادته .

رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود : هر که ما خاندان را دوست بدارد خدا را بر برترین نعمتها سپاس گزارد . گفتند : برترین نعمت کدام است ؟ فرمود : پاکزادگی ، زیرا ما را دوست ندارد مگر آن که پاکزاده باشد .

القندوزي الحنفي ، سليمان بن إبراهيم (متوفاي 1294هـ) ، ينابيع المودة لذوي القربى ، ج 2 ص 272 ، تحقيق : سيد علي جمال أشرف الحسيني ، ناشر : دار الأسوة للطباعة والنشر ، الطبعة : الأولى ، 1416هـ .

ابن مردويه اصفهاني مي نويسد :

57 . ابن مردويه ، عن أحمد بن محمد بن الصباح النيسابوري ، عن عبد الله بن أحمد بن حنبل ، عن أحمد ، قال : سمعت الشافعي يقول : سمعت مالك بن أنس يقول : قال أنس بن مالك : ما كنا نعرف الرجل لغير أبيه إلا ببغض علي ابن أبي طالب .

و در ادامه مي نويسد :

58 . ابن مردويه ، عن أنس - في حديث - : كان الرجل من بعد يوم خيبر يحمل ولده علي عاتقه ، ثم يقف علي طريق علي (عليه السلام) فإذا نظر إليه أو ما يبصبعه : يا بني ، تحب هذا الرجل ؟ فإن قال : نعم ، قبله . وإن قال : لا ، طرق به الأرض وقال له : إلحق بأملك .

انس گوید : پس از جنگ خيبر عادت چنان شده بود که مرد فرزندی خود را به دوش مي گرفت و سر راه علي عليه السلام مي ايستاد ، چون چشمش به آن حضرت مي افتاد با انگشت به او اشاره کرده ، به کودک خود مي گفت : پسرکم ! اين مرد را دوست داري ؟ اگر مي گفت : آري ، او را مي بوسيد . و اگر مي گفت : نه ، او را بر زمین مي نهاد و مي گفت : برو به مادرت بپيوند .

ابن مردويه الأصفهاني ، أبي بكر أحمد بن موسى (متوفاي 410هـ) ، مناقب علي بن أبي طالب (ع) وما نزل من القرآن في علي (ع) ، ص 76-77 ، تحقيق : عبد الرزاق محمد حسين حرز الدين ، ناشر : دار الحديث ، الطبعة : الثانية ، 1424هـ .

ممکن است کسی اشکال کند که این روایات از دیدگاه اهل سنت ضعیف هستند و نمی توانند برای آنان حجت باشند ، در جواب مي گوییم :

اولاً : روایت کافی نیز از نظر ما ضعیف و غیر قابل اعتماد است ؛

ثانياً : اگر سند این روایات ضعیف باشد ، بازهم برای اهل سنت حجت است ؛ چرا که طبق قاعده «یقوي بعضها بعضاً» اگر روایتي باچندین طریق نقل شود ؛حتي اگرراویان آن فاسق نیزباشند،همدیگررا تقویت کرده و برای اهل سنت حجت میشود .
ابن تیمیه حرّانی می نویسد :

تعدد الطرق وکثرتها یقوي بعضها بعضا حتي قد يحصل العلم بها ولو كان الناقلون فجارا فاسقا فكيف إذا كانوا علماء عدولا ولكن کثر في حديثهم الغلط .

زیادی و تعدد راه های نقل حدیث برخی برخی دیگر را تقویت می کند که خود زمینه علم به آن را فراهم می کند ؛ اگر چه راویان آن فاسق و فاجر باشند ؛ پس چگونه خواهد بود حال حدیثی که تمام راویان آن افراد عادل باشند که خطا و اشتباه هم در نقلشان فراوان باشد .

ابن تیمیه الحرّانی ، أحمد عبد الحليم أبو العباس (متوفاي 728 هـ) ، کتب ورسائل وفتاوي شيخ الإسلام ابن تيمية ، ج 18 ، ص 26 ، تحقيق : عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمي النجدي ، ناشر : مكتبة ابن تيمية ، الطبعة : الثانية .

ج : شراکت شیطان در نطفه دشمن علي عليه السلام

قرطبي انصاري ، خطيب بغدادي و ابن عساکر می نویسند :

روي الأعمش عن أبي وائل عن عبدالله قال قال علي بن أبي طالب عليه السلام : رأيت النبي صلي الله عليه وسلم عند الصفا وهو مقبل علي شخص في صورة الفيل وهو يلعنه قلت : ومن هذا الذي تلعنه يا رسول الله قال : «هذا الشيطان الرجيم» فقلت : يا عدو الله والله لأقتلنك ولأريحن الأمة منك قال : ما هذا جزائي منك قلت : وما جزاؤك مني يا عدو الله قال : **والله ما أبغضك أحد قط إلا شركت أباه في رحم أمه** .

علي عليه السلام فرمود : رسول خدا صلي الله عليه وآله وسلم را در کوه صفا دیدم که در برابرش شخصی که به شکل و صورت فیل بود او را لعن می کرد ، گفتم : ای رسول خدا ، این مرد کیست ؟ فرمود : شیطان رانده شده . گفتم : ای دشمن خدا ، به خدا سوگند تو را می کشم و امت را از شر تو خلاص می کنم . گفت : به خدا سوگند که پاداش من از تو این نیست ! گفتم : ای دشمن خدا ، پاداش تو از من چیست ؟ گفت : به خدا سوگند که هیچ کس تو را دشمن نمی دارد ؛ مگر آن که من با پدرش در رحم مادرش شرکت جسته ام .

الأنصاري القرطبي ، أبو عبد الله محمد بن أحمد (متوفاي 671 هـ) ، الجامع لأحكام القرآن ، ج 1 ص 91 ، ناشر : دار الشعب - القاهرة ؛

البغدادي ، أحمد بن علي أبو بكر الخطيب (متوفاي 463هـ) ، تاريخ بغداد ، ج 3 ص 290 ، ناشر : دار الكتب العلمية - بيروت ؛
ابن عساکر الدمشقي الشافعي ، أبي القاسم علي بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله ، (متوفاي 571 هـ) ، تاريخ مدينة دمشق وذكر فضلها وتسمية من حلها من الأماثل ، ج 42 ص 290 ، تحقيق : محب الدين أبي سعيد عمر بن غرامة العمري ، ناشر : دار الفكر - بيروت - 1995 .

د : قیامت ، و شناسائی دوستان و دشمنان علي عليه السلام

ابوالحسن مسعودي می نویسد :

عن العباس بن عبد المطلب ، قال : كنت عند رسول الله صلي الله عليه وسلم إذ أقبل علي بن أبي طالب ، فلما رآه أسفرَ في وجهه ، فقلت : يا رسول الله ، إنك لتُسفر في وجه هذا الغلام ، فقال : يا عمّ رسول الله ، والله الله أشد حبا له مني ، إنه لم يكن نبياً إلا وذريته الباقية بعدي من صُلبه ، وإن ذريتي بعدي من صُلب هذا ، إنه إذا كان يوم القيامة دُعِيَ الناس بأسمائهم وأسماء

أمهاتهم سترًا من الله عليهم ، إلا هذا وشيعته فإنهم يُدْعَوْنَ بأسمائهم وأسماء آبائهم لصحة ولادتهم .

عباس بن عبد المطلب می گوید : خدمت رسول خدا بودم، علی از راه رسید، چهره رسول خدا با دیدن علی روشن و خوشحال نشان می داد، گفتم: با دیدن این نوجوان خوشحال شدم، فرمود: ای عموی فرستاده خدا! به خدا سوگند، خدا او را بیش از من دوست دارد، هیچ نسلی از پیامبری نیست مگر آنکه از صلب او است و ذریه من نیز از صلب او خواهد بود، چون قیامت فرا رسد خداوند مردم را با نام آنان و نام مادرانشان صدا خواهد زد، مگر این جوان (علی) و پیروان او، که با نام خودشان و پدرانشان فرا خوانده می شوند، چرا که زاده شدن صحیح و پاکی دارند.

المسعودي ، أبو الحسن علي بن الحسين بن علي (متوفاي 346 هـ) مروج الذهب ، ج 1 ص 347 ، طبق برنامه نرم افزاري الجامع الكبير .

ترجمه مسعودي

ممکن است برخی افراد بر این نقل ایراد گرفته و بگویند: نویسنده معروف و مشهور کتاب مروج الذهب به شیعه بودن متهم است و لذا سخن و نقل او برای ما اعتبار ندارد ، در پاسخ این عده ناچاریم سری به کتابهای اهل سنت بزنیم تا ثابت شود که آیا مسعودی شیعه است یا سنی ؟

یاقوت حموی در باره او می نویسد :

علي بن الحسين بن علي المسعودي المؤرخ أبو الحسن من ولد عبد الله بن مسعود صاحب النبي صلي الله عليه وسلم.

علي بن حسين بن علي مسعودي ، تاريخ نگار و از نوادگان عبد الله بن مسعود و از اصحاب مشهور رسول خدا صلي الله عليه وآله وسلم است .

الحموي ، أبو عبد الله ياقوت بن عبد الله الرومي (متوفاي 626هـ) ، معجم الأدباء أو إرشاد الأريب إلي معرفة الأديب ، ج 4 ، ص 48 ، رقم : 567 ، ناشر : دار الكتب العلمية - بيروت ، الطبعة : الأولى ، 1411 هـ - 1991 م .

تاج الدين سبكي نام مسعودی را در زمره علمای شافعی آورده و او را مورخ ، صاحب فتوا و علامه می داند :

علي بن الحسين بن علي المسعودي صاحب التواريخ كتاب مروج الذهب في أخبار الدنيا وكتاب ذخائر العلوم وكتاب الاستذكار لما مر من الأعصار وكتاب التاريخ في أخبار الأمم وكتاب أخبار الخوارج وكتاب المقالات في أصول الديانات وكتاب الرسائل وغير ذلك . قيل إنه من ذرية عبد الله بن مسعود رضي الله عنه أصله من بغداد وأقام بها زمانا وبمصر أكثر وكان أخباريا مفتيا علامة صاحب ملح وغرائب .

علي بن حسين مسعودي ، صاحب كتاب هاي تاريخي مروج الذهب و ذخائر العلوم ... و ديگر كتاب ها است . گفته شده كه او از فرزندان عبد الله بن مسعود است ، اصل او از بغداد است كه مدتي در آن جا و بيشتر در مصر ساكن بوده است ، منش علمي او اخباريگري است و صاحب فتوا بوده و فردي دانشمند است .

السبكي ، تاج الدين بن علي بن عبد الكافي (متوفاي 771هـ) ، طبقات الشافعية الكبرى ، ج 3 ، ص 456 ، تحقيق : د. محمود محمد الطناحي د. عبد الفتاح محمد الحلو ، ناشر : هجر للطباعة والنشر والتوزيع - 1413هـ ، الطبعة : الثانية .

آوردن نام مسعودی در زمره علمای شافعی ، نشاندهنده سنی بودن و شافعی بودن مسعودی است و لذا شبهه شیعه بودن وی با این نقل دفع می شود .

علمی حنبلی در باره مسعودی می نویسد :

علي بن الحسين بن علي أبو الحسن المسعودي من أعلام التاريخ ومن مشاهير الرحالين ومن الباحثين المقدرين من أهل بغداد أقام بمصر وتوفي فيها عام 346 هـ له مؤلفات عديدة منها مروج الذهب وأخبار الزمان وغير ذلك من المؤلفات القيمة .

علي بن حسين مسعودي ، از بزرگان تاريخ و از مشهورترين كساني است كه براي جمع آوري حديث مسافرت مي كرد ... كتاب هاي متعددي نوشت كه از جمله آن ها مروج الذهب و اخبار الزمان و كتاب هاي با ارزش ديگري است .
العلمي ، مجير الدين الحنبلي (متوفاي 927هـ) ، الأئس الجليل بتاريخ القدس والخليل ، ج 1 ، ص 11 ، تحقيق : عدنان يونس
عبد المجيد نباتة ، ناشر : مكتبة دنديس - عمان - 1420هـ - 1999م .

عكري حنبلي نیز نوشته است :

وفيها المسعودي المؤرخ صاحب مروج الذهب وهو أبو الحسن علي بن أبي الحسن رحل وطوف في البلاد وحقق من التاريخ ما لم يحققه غيره وصنف في أصول الدين وغيرها من الفنون .

در آن سال (345هـ) مسعودي مورخ ، صاحب كتاب مروج الذهب از دنیا رفت . او أبو الحسن علي بن أبي الحسن بود ، به شهرهاي گوناگون مسافرت مي كرد ، آن قدر كه او در تاريخ تحقيق کرده ديگران تحقيق نکرده اند ، در اصول دين و ديگر علوم كتاب نوشته است .

العكري الحنبلي ، عبد الحي بن أحمد بن محمد (متوفاي 1089هـ) ، شذرات الذهب في أخبار من ذهب ، ج 2 ، ص 371 ، تحقيق :
عبد القادر الأرناؤوط ، محمود الأرناؤوط ، ناشر : دار بن كثير - دمشق ، الطبعة : الأولى ، 1406هـ .

نتیجه :

اولاً : روايتي كه مرحوم كليني (رضوان الله تعالى عليه) در كتاب شريف كافي نقل کرده است ، از نظر سندي مشكل دارد و در سند آن شخصي از غلات وجود دارد ؛

ثانياً : اگر مرحوم كليني (رضوان الله تعالى عليه) ، اين روايت را نقل کرده ، شما اهل سنت چندين برابر آن را با همين مضمون نقل کرده ايد ، هر جوابي شما از اين روايات داديد ، ما نيز از روايت كتاب كافي جواب خواهيم داد .

موفق باشيد

گروه پاسخ به شبهات

مؤسسه تحقيقاتی حضرت ولی عصر (عج)